

متن کامل مصاحبه خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) با جناب آقای دکتر بقائی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

4 تیر 1404

سؤال: به عنوان سوال نخست از آخرین تحول آغاز کنیم که برقراری آتش بس (توقف تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران) بود. چه تحولاتی و پروسه‌ای منجر به این امر شد؟

پاسخ: من فکر می‌کنم در تحلیل آخرین وضعیت، همیشه لازم است روندی را که منجر شد به تحول روز سه شنبه و توقف تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران، در ذهن داشته باشیم. شما می‌توانید نقطه شروع این روند را بگذارید ۲۳ خرداد، ساعات اولیه بامداد روز جمعه؛ یعنی دو روز مانده به روز یکشنبه، تاریخی که به‌طور مشترک توسط ایران و آمریکا برای دور ششم مذاکرات تعیین شده بود. یعنی حدود ۴۶ تا ۴۸ ساعت قبل از این موعد، موعدی که آگاهانه از سوی دو طرف تعیین شده بود، ناگهان با تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی مواجه می‌شوید. اگر در روزهای اول، حرف و شبهه‌ای وجود داشت درباره اینکه میزان مشارکت یا اطلاع و حمایت آمریکا چقدر بوده، الان دیگر هیچ شبهه‌ای در این مورد وجود ندارد که یک نوع تقسیم کار صورت گرفته بود.

از یک منظر می‌توانید این روند را حتی چندین سال به عقب ببرید؛ مثلاً از سال ۱۹۸۴، زمانی که برای اولین بار رژیم صهیونیستی ادعا کرد ایران به دنبال تولید بمب هسته‌ای است. بعد به سال‌های دهه ۸۰ هجری شمسی و ۲۰۰۳-۲۰۰۴ بروید که شروع مذاکرات هسته‌ای بود، و در ادامه منجر شد به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد. سپس در سال ۲۰۱۵، برجام شکل گرفت. در سال ۲۰۱۸، آمریکا به‌صورت یک‌جانبه از برجام خارج شد و پس از آن، مذاکرات در دوره بایدن برای احیای برجام آغاز شد که به نتیجه نرسید. نهایتاً به دور اخیر مذاکرات در دو سه ماه گذشته با دولت فعلی آمریکا رسیدیم. بهانه اتفاقی که در ۱۳ ژوئن یا همان ۲۳ خرداد رخ داد، به‌ظاهر مسئله برنامه هسته‌ای ایران است.

شنوندگان و بینندگان عزیز باید این را بدانند تا تردید نکنند که یک امر غیرقانونی و ظالمانه علیه کشورشان اتفاق افتاده است. جمهوری اسلامی ایران در تمام این سال‌ها متعهد به گفت‌وگو و دیپلماسی بوده و هیچ‌گاه میز مذاکره را ترک نکرده است. دلیل آن هم روشن است؛ چون ما نسبت به ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود اطمینان داریم. کاری که ما انجام داده‌ایم و هدفی که از ابتدا دنبال کرده‌ایم، مبتنی بر حقوق ایران طبق معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) بوده است. ماده ۴ این معاهده به‌صراحت اشاره دارد که استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای حق همه کشورهای عضو است.

طرف مقابل صرفاً با این بهانه که ممکن است برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در آینده مورد استفاده نظامی قرار گیرد، بحرانی را ایجاد کرده است. ما در این شرایط چه کاری می‌توانستیم انجام دهیم جز اینکه اعلام کنیم شفافیت‌سازی و اعتمادسازی را دنبال می‌کنیم و مجموعه‌ای از تدابیر و تعهدات داوطلبانه را بر عهده می‌گیریم. نتیجه این رویکرد آن شد که طبق آمار خود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، که کمتر از سه درصد از کل برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورهای جهان را تشکیل می‌دهد، بیش از ۲۳ درصد از بازرسی‌های آژانس را به خود اختصاص داده است. این یعنی سه درصد فعالیت، ۲۳ درصد بازرسی؛ خودشان نیز بارها اعلام کرده‌اند که ایران تحت سخت‌گیرانه‌ترین رژیم بازرسی و نظارت آژانس قرار دارد.

در چنین شرایطی، امکان انحراف برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران به سمت مقاصد تسلیحاتی، عملاً وجود ندارد. در سه ماه گذشته، با این استدلال که می‌خواهیم دیپلماسی را دوباره احیا کنیم و از طریق صلح‌آمیز اطمینان حاصل کنیم که برنامه هسته‌ای ایران به سمت تسلیحاتی شدن نمی‌رود، گفت‌وگوها آغاز شد. ایران این مذاکرات غیرمستقیم را پذیرفت و پنج دور مذاکره برگزار شد.

نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است، ادعای مارکو رویو، وزیر خارجه ایالات متحده است که گفته ایرانی‌ها ما را بازی داده‌اند. چگونه؛ او مدعی است که ایرانی‌ها مذاکرات را طولانی کردند و جلسات به صورت هفتگی برگزار می‌شد. این ادعا کاملاً گمراه‌کننده است و به نوعی فریب مخاطب محسوب می‌شود. برگزاری مذاکرات با فاصله زمانی یک هفته یا بیشتر، پیشنهاد ما نبود. اگر خاطرتان باشد، من در جلسات سخنگویی بارها اعلام کردم که اگر طرف آمریکایی جدید داشته باشد، می‌توان مذاکرات را با فواصل زمانی کوتاه‌تر برگزار کرد. حتی ما آماده بودیم که برای ادامه مذاکرات در محل بمانیم، زیرا می‌دانیم مذاکره درباره موضوعی با این اهمیت، با جلسات دو سه ساعته در فواصل یک هفته‌ای به نتیجه نمی‌رسد.

همه این موارد نشان می‌دهد که طرف آمریکایی از ابتدا در مذاکرات جدیتی نداشته است. اما این چیزی از ارزش اقدامات جمهوری اسلامی ایران کم نمی‌کند. به نظر من، ورود ایران به این مذاکرات، حقیقتاً نفاق و دروغگویی طرف مقابل را آشکار کرد. تاریخ ثبت خواهد کرد که در میانه یک روند دیپلماتیک، بین ایران و طرفی که خود را قدرت جهانی می‌داند، منطق ایران غالب آمد و آن‌ها در برابر این منطق کم آوردند.

به همین دلیل، طرف نیابتی آن‌ها در منطقه را تشویق و حمایت کردند تا به ایران حمله کند. این اقدام معنادار است و تاریخ آن را ثبت خواهد کرد. این تحول نشان داد که ایران در گفت‌وگوها جدی است، اما طرف مقابل به هیچ عنوان به یک روند مسالمت‌آمیز و صلح‌آمیز برای حل موضوعی که از نظر ما اساساً مسئله‌ای نیست، اما از نظر آن‌ها موضوعیت دارد، پایبند نیست و قائل به روند دیپلماتیک نیست.

۱۲ روز تجاوز رژیم صهیونیستی؛ در دو روز پایانی، آمریکا نیز وارد ماجرا شد. کاملاً مشخص است که آن‌ها برنامه‌های دیگری در سر داشتند و تصور می‌کردند ظرف دو تا سه روز، ایران را به زانو درمی‌آورند. دنیا با مقاومت یکدل و یکصدای ملت ایران مواجه شد؛ چه ایرانیان داخل کشور و چه ایرانیان خارج از کشور، همگی حول مفهومی به نام میهن، به نام پرچم ایران گرد هم آمدند و اجازه ندادند طرف مقابل به اهداف خود دست پیدا کند. پس از ۱۰ روز، آن‌ها مجبور شدند آمریکا را وارد میدان کنند.

عملاً دو عملیات تجاوزکارانه به‌طور هم‌زمان علیه ایران اتفاق افتاد، از سوی طرف‌هایی که به سلاح هسته‌ای مجهز بودند و پیشرفته‌ترین فناوری‌ها دسترسی داشتند و هم‌زمان نیز از حمایت متحدان خود در ناتو برخوردار بودند. در این نبرد نابرابر، جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران آن را به نفع خود به پایان رساندند.

علیرغم تمام خساراتی که متحمل شدیم و علیرغم جان‌های پاک و شریفی که در این راه از دست رفتند که به روح همه آن عزیزان درود می‌فرستیم، مردم ایران واقعاً نشان دادند که وقتی پای میهن، عزت و استقلال در میان باشد، همگی یک‌صدا و یکدل به میدان می‌آیند.

اشاره کردید به توقف تجاوز، من عمداً از واژه «آتش‌بس» استفاده نمی‌کنم، چون ما با یک جنگ کلاسیک به معنای دقیق کلمه روبه‌رو نیستیم؛ ما با یک اقدام تجاوزکارانه یک‌جانبه از سوی طرفی مواجه شدیم که بدون هیچ دلیلی به ایران حمله کرد. مطلقاً هیچ دلیلی وجود نداشت؛ هیچ بهانه‌ای برای این تجاوز قابل طرح نبود.

پس از آنکه پایگاه آمریکا در قطر، یعنی پایگاه العدید، مورد حمله دفاعی ما قرار گرفت، از طریق قطر پیامی مبنی بر توقف تبادل آتش دریافت کردیم. ما به عنوان کشوری که هرگز از جنگ استقبال نکرده‌ایم و در عین حال در دفاع از خود هیچ‌گاه تردیدی به خود راه نداده‌ایم، این پیشنهاد را پذیرفتیم.

سؤال : آیا ایران پیش‌شرطی برای پذیرش آتش‌بس داشت؟

پاسخ : ما ضربه اول را وارد نکردیم و جنگ را آغاز نکردیم. برای ما مهم بود که طرف مقابل درک کند جمهوری اسلامی ایران اجازه نخواهد داد که ضربه‌ای بزند و بدون پاسخ بماند. به همین دلیل، تا آخرین لحظات به تجاوزات رژیم صهیونیستی پاسخ دادیم. حتی تا صبح روز سه‌شنبه، عملیات دفاعی موشکی ایران با قدرت ادامه یافت. پس از آن، توقف جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی عملیاتی شد.

واقعیت این است که ۱۲ روز مقاومت جانانه مردم ایران باعث شد طرف مقابل به این نتیجه برسد که باید اقدامات خود را متوقف کند. اما این توقف به این معنا نیست که ما از جنایاتی که رخ داده چشم‌پوشی می‌کنیم، آن‌ها را فراموش می‌کنیم یا خسارات واردشده را می‌بخشیم. جان‌های ازدست‌رفته و شهدایی که در این مسیر تقدیم

کردیم، هرگز قابل جبران نیستند. ما وظیفه داریم این جنایات را مستندسازی کنیم. باید مطالبه جبران خسارات و مجازات جنایاتی که رخ داده است را پیگیری کنیم.

هیچ یک از هموطنانی که در این جنایت بزرگ از دست دادیم، اعم از کودک سه ساله، سردار یا استاد برجسته دانشگاه، قابل جایگزینی نیستند. همه آن ها شهروندان و هم میهنان عزیز ما بودند. اکنون وظیفه سنگینی بر دوش ماست تا نگذاریم شدت و بزرگی این جنایت فراموش شود. در سطح بین المللی، باید این جنایت را تبیین کنیم و همزمان از مراجع بین المللی مطالبه کنیم که اطمینان حاصل شود در سطح منطقه و جهان چنین جنایاتی تکرار نشود. رژیم صهیونیستی، حامیان و آمریکا باید نسبت به اقدامات و جنایاتی که مرتکب شده اند، پاسخگو باشند.

سؤال: امروز که با توقف تجاوز رژیم صهیونیستی روبه رو هستیم برنامه ایران برای پاسخ دادن به درخواستها برای از سرگیری مذاکرات چه خواهد بود؟

پاسخ : به هر حال ما می دانیم که شرایط امروز با پیش از دور ششم مذاکرات و یکشنبه ای که هرگز فرانسید بسیار متفاوت است و طبیعتاً مطالبه های ایران هم پس از خیانتی که به دیپلماسی شد، متفاوت است.

اولاً ما هیچ گاه به طرف مقابل اعتماد نداشتیم. چون گاهی برخی واژه ها به کار می رود، مثل اینکه «اتفاق اخیر باعث شد اعتماد بین ایران و آمریکا کاهش پیدا کند» یا «از بین برود»، در حالی که ما اساساً هیچ گاه اعتماد نداشتیم. یکی از دلایل هم همین اتفاقاتی است که اکنون شاهد آن هستیم. ما در فضایی از بی اعتمادی مطلق با طرف های مقابل گفت و گو می کردیم. دلیل این بی اعتمادی نیز سوابق عهد شکنی های آن هاست.

سؤال: آیا دستگاه دیپلماسی تهدید جنگ را در میانه مذاکرات جدی گرفته بود؟ یا این تصور وجود داشت که رئیس جمهور آمریکا به چند دلیل که مهم ترین آنها رویه و وعده های انتخاباتی او بود از ورود به جنگ با کشورها پرهیز دارد؟

پاسخ : در هر حال، هیچ عقل سلیمی نمی توانست این احتمال را نادیده بگیرد که طرف مقابل ممکن است در جریان مذاکرات یا حتی در مرحله بعد از مذاکرات، دست به اقدامات ایدایی بزند. همان طور که در طول بیست سی سال گذشته، برنامه هسته ای ما همواره در معرض خرابکاری ها، ترورها و انواع اقدامات خصمانه از سوی رژیم صهیونیستی بوده است.

ما نمی توانیم تصور کنیم که این اقدامات ایدایی، خرابکارانه و تروریستی بدون اطلاع، هماهنگی یا همکاری آمریکا صورت گرفته باشد. بنابراین، برنامه هسته ای ما همواره در معرض چنین تهدیداتی قرار داشته است. اما واقعیت

این است که اینکه هم‌زمان با مذاکرات، هم‌زمان با گفت‌وگو، شما یک قرار مذاکره برای روز یکشنبه تعیین کرده باشید و طرف مقابل، در روز جمعه، از طریق رژیم صهیونیستی دست به یک اقدام تجاوزکارانه بزند، در تاریخ دیپلماسی بی‌سابقه است.

امروز شرایط به‌طور قابل‌توجهی تغییر کرده و صورت‌مسئله به‌نوعی دگرگون شده است، اما حقوق ایران بر اساس معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) همچنان بدون تغییر باقی مانده است. اگر قرار است به‌عنوان عضوی از این معاهده در آن باقی بمانیم، نمی‌توان تنها تکالیف آن را پذیرفت و از حقوق مندرج در آن محروم ماند. حقوق تصریح‌شده در این معاهده کاملاً روشن است: حق برخورداری از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز برای اهداف غیرنظامی ...

بنابراین، تحولات اخیر قطعاً مؤلفه‌های جدیدی را در ذهن سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان ایرانی وارد کرده و بی‌تردید بر تصمیم‌گیری‌های آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت. همین امروز شاهد مصوبه‌ای بی‌سابقه از مجلس شورای اسلامی بودید. ما اکنون در مرحله تصمیم‌گیری قرار داریم، زیرا اتفاقات رخ داده بسیار جدید و بی‌سابقه‌اند.

در این ۱۲ روز، تمرکز اصلی ما بر دفاع بود. البته در دفاع نیز باید از دیپلماسی بهره گرفت. دیپلماسی کمک شایانی به امر دفاع کرد. در حالی که نیروهای مسلح ما مشغول دفاع بودند، دیپلمات‌های ما، چه در تهران، چه در سطح بین‌المللی و چه از طریق سفرهای دیپلماتیک مانند سفرهای آقای دکتر عراقچی، از تمام توان خود استفاده کردند.

سفر و دیپلمات‌های ما در کشورهای خارجی نیز در جبهه دیپلماتیک، هم برای تبیین واقعیت‌ها و هم برای جلب حمایت و مساعدت کشورهای مختلف و سازمان‌های بین‌المللی در راستای مقابله با تجاوزات رژیم صهیونیستی، با تمام توان تلاش کردند.

سؤال : می‌توانم از سخنان شما این برداشت را بکنم که برخلاف تصور یا تحلیلی که ممکن بود در کاخ سفید وجود داشته باشد، این تجاوز نظامی به ایران و حمله به تاسیسات هسته‌ای به تغییر یا جابجایی خطوط قرمز ایران در مذاکرات منجر نخواهد شد؟

پاسخ: ما نشان دادیم که فشار، ارعاب، تهدید و حتی استفاده از زور عریان علیه یک کشور مستقل، با نقض تمامی معیارها و هنجارهای بین‌المللی، نمی‌تواند حقوق ما را خدشه‌دار کند. حقوق ما همچنان پابرجاست، مگر آنکه گفته شود معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) دیگر اعتبار خود را از دست داده است.

بسیاری این‌گونه تعبیر کردند که اقدام آمریکا و رژیم صهیونیستی ضربه‌ای مهلک به رژیم منع اشاعه وارد کرد. نه تنها قواعد حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، بلکه رژیم منع اشاعه که بر پایه مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف

استوار است، نیز مخدوش شد. هیچ کشوری نمی‌پذیرد که خود را به مجموعه‌ای از تکالیف ملزم کند، اما از حقوق مندرج در این سند محروم بماند. این موضوع نه تنها برای ما، بلکه برای کل جامعه جهانی بسیار آموزنده و عبرت‌آمیز خواهد بود. بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که معاهده منع اشاعه شاید دیگر ارزش و اعتبار اولیه خود را از دست داده باشد، زیرا صرفاً به باری بر دوش کشورهای عضو، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه،

سؤال: در چند روز اخیر وزیر خارجه و شخص شما در مصاحبه‌ها و مطالب متفاوت تاکید کردید که این تجاوز نظامی و حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران بر همکاری تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأثیرگذار خواهد بود. در داخل مباحث مربوط به خروج ایران از ان پی تی هم مطرح شده است. سناریوهای مدنظر ایران در این خصوص چه خواهد بود؟

پاسخ: ما در حال حاضر در روند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هستیم. من اکنون نمی‌توانم با قطعیت بگویم که چه اقدامی انجام خواهیم داد. قطعاً این همکاری‌ها تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. اصلاً باید گفت شرایط به شدت تغییر کرده است؛ زیرا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متأسفانه نشان داد که حتی به وظایف خودش نیز پایبند نیست. حداقل کاری که آژانس باید انجام می‌داد این بود که صراحتاً اقدامات آمریکا و رژیم صهیونیستی را محکوم کند. این محکومیت، بخشی از وظیفه آژانس است. آژانس به عنوان نهاد ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورها، طبق قطعنامه‌های مصوب شورای حکام، موظف است در چنین مواردی به روشنی موضع‌گیری کند.

در رابطه با موضوع خاص اخیر، گزارش مدیرکل و قطعنامه‌ای که بر مبنای آن صادر شد، یکی از چند بهانه اصلی آمریکا و رژیم صهیونیستی برای حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بود. بنابراین، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شخص مدیرکل آن، اکنون مسئول شناخته می‌شوند و مدیون ملت ایران هستند، به خاطر اتفاقاتی که رخ داد و خسارات و آسیب‌های شدیدی که در اثر تجاوزات رژیم صهیونیستی و آمریکا به ملت ایران وارد شد.

حرفی که آقای گروسی در مصاحبه با CNN مطرح کرد، یک اعتراف دیر هنگام بود. مشخص است که شخص مدیرکل باور دارد که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز بوده و به سمت تسلیحاتی شدن نرفته است. این موضوع را باید پیش از این صراحتاً اعلام می‌کرد. اما گزارشی که ارائه داد، و بهانه‌هایی که در آن مطرح شد، بر پایه سؤالات یا ابهاماتی که مربوط به ۲۰ یا حتی ۲۵ سال پیش بود، زمینه‌ساز تصویب قطعنامه‌ای از سوی سه کشور اروپایی و آمریکا شد. در آن قطعنامه، مواردی مطرح شد که حتی در گزارش هم نیامده بود، از جمله بحث «عدم پایبندی»، که خود یکی از بهانه‌های اقدامات تجاوزکارانه علیه ایران شد.

بنابراین، آژانس به هیچ عنوان از این ماجرا روسفید بیرون نیامد. از سوی دیگر، سه کشور اروپایی نیز مسئولیت جمعی دارند در قبال آنچه رخ داد؛ هم به خاطر مشارکت در تدوین آن قطعنامه، و هم بدتر از آن، به دلیل مواضع

بسیار ریاکارانه‌ای که اتخاذ کردند. آن‌ها عملاً در جهت توجیه این جنایت گام برداشتند. مصاحبه‌هایی که مقامات آلمانی انجام دادند، همچنین مقامات انگلیسی، صراحتاً به‌نوعی تأییدکننده این اقدامات بود. اروپا، واقعاً جایگاه اخلاقی و جایگاه حقوقی خود را در این موضوع از دست داد.

سؤال: در میانه تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران، آقای دکتر عراقچی سفری به ژنو داشتند که درباره جزئیات آن اطلاعات چندانی به بیرون درز پیدا نکرد. در نشست وزیر خارجه ایران با وزرای خارجه تروئیکای اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا چه گذشت؟ دستور کار دستگاه دیپلماسی و شخص وزیر امور خارجه در ژنو چه بود و آیا این سفر تأثیری در توقف تجاوزات رژیم صهیونیستی داشت؟

پاسخ: سفر آقای دکتر عراقچی روز پنج‌شنبه انجام شد، در حالی که تجاوز رژیم صهیونیستی از جمعه هفته قبل آغاز شده بود، یعنی شش روز پیش از این سفر. در این شش روز، شاهد بودید که ایشان تماس‌های تلفنی متعددی با مقامات کشورهای مختلف برقرار کردند. همچنین، دو نوبت جلسه اضطراری شورای امنیت تشکیل شد و بسیاری از کشورها جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم کردند. روز چهارشنبه، سه کشور اروپایی به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا تماس تلفنی سه‌جانبه‌ای برقرار کردند و پیشنهاد برگزاری نشستی با حضور وزیر امور خارجه ایران را مطرح نمودند. از سوی دیگر، آقای دکتر عراقچی قرار بود روز شنبه یا یک‌شنبه در نشست وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی در استانبول نیز شرکت کنند. بنابراین، تصمیم گرفته شد که این سفر به ژنو انجام شود.

این سفر، که در میانه جنگ و با وجود همه مخاطراتی که می‌توان برای مقامی در سطح ایشان تصور کرد، انجام شد، به نظر من اقدامی بسیار مسئولانه و شجاعانه بود و جایگاه والای دیپلماسی در کشور ما را به نمایش گذاشت. در این هشت ماه، بارها شاهد بودیم که دیپلمات‌های ما چه نقش بزرگی در حراست از منافع ملت ایران ایفا می‌کنند. همزمان با این سفر، اجلاس شورای حقوق بشر در ژنو در جریان بود. آقای دکتر عراقچی حدود ساعت ۵ تا ۵:۳۰ بعدازظهر به وقت تهران در روز جمعه وارد ژنو شدند و در این اجلاس سخنرانی کردند. این سخنرانی، که منتشر شد، در اولین جلسه بین‌المللی با حضور وزیر امور خارجه ایران پس از تجاوز رژیم صهیونیستی ایراد گردید. ایشان از این فرصت برای تبیین مواضع ایران و رساندن صدای حقانیت ایران به گوش کشورهای جهان استفاده کردند.

اساساً در شرایطی که کشور در وضعیت جنگی قرار دارد، همواره تأکید کرده‌ام که دیپلماسی باید با جدیت و حتی با قوت بیشتری نسبت به دوران صلح به فعالیت خود ادامه دهد. با این حال، جلسه با وزرای خارجه سه کشور اروپایی به‌هیچ‌وجه جلسه‌ای مذاکره‌ای برای دادوستد و معامله بر سر موضوعات نبود. آن جلسه با هدف تبیین آخرین وضعیت، مطالبه‌گری از سه کشور اروپایی برگزار شد.

این کشورها به دلیل نفوذی که بر رژیم صهیونیستی و ایالات متحده داشته و دارند و همچنین به دلیل مسئولیت‌هایشان به عنوان طرف‌های برجام و کشورهایی که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را در سال ۲۰۱۵ ارائه کرده‌اند، موظف به ایفای تعهدات خود بودند. این مسئولیت‌ها به‌ویژه برای انگلستان و فرانسه به عنوان اعضای دائم شورای امنیت و آلمان به عنوان یکی از اعضای برجام، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

اقدامات رژیم صهیونیستی و ایالات متحده نه تنها نقض معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT)، منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل بود، بلکه به‌طور هم‌زمان نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز محسوب می‌شود؛ قطعنامه‌ای که برجام را، از جمله حق غنی‌سازی در داخل ایران، به رسمیت شناخته و تأیید کرده است.

بنابراین، هدف از برگزاری آن جلسه، تثبیت موضع ایران و مطالبه‌گری از این سه کشور اروپایی بود. به نظر من، این جلسه برای اتمام حجت با این کشورها ضروری بود. تصور کنید اگر ایران در آن جلسه شرکت نمی‌کرد، امروز برخی انتقاد می‌کردند که اگر این گفت‌وگو با طرف‌های اروپایی برگزار شده بود، شاید تجاوزات رژیم صهیونیستی زودتر متوقف می‌شد. همان‌طور که اکنون برخی معترض‌اند که چرا، برای مثال، در آن دو ماه، پنج دور مذاکره انجام شد. من برعکس معتقد هستم که اگر آن مذاکرات برگزار نشده بود، همین افراد انتقاد می‌کردند که کاش مذاکره کرده بودید، زیرا این گفت‌وگوها می‌توانست آمریکا و متحدانش را از اقدامات تجاوزکارانه علیه ایران بازدارد.

سؤال : دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده اخیراً اقدام به انتشار متن پیام‌های ردوبدل شده میان خود و دبیرکل ناتو کرده است. در این پیام دبیرکل ناتو از حمله نظامی آمریکا به ایران استقبال و ابراز خوشحالی کرده است. این واکنش را در کنار پرهیز مقام‌های اروپایی از محکوم کردن این تجاوز نظامی که بگذاریم این سوال به وجود می‌آید که این تحولات چه تاثیری بر رابطه ایران و اروپا خواهد گذاشت؟

پاسخ: من برای این موضعی که دبیرکل ناتو اتخاذ کرد، واقعاً واژه‌ای مؤدبانه‌تر از «شرم‌آور» و «سخیف» برای توصیف آن پیدا نمی‌کنم. اینکه فردی که خود را مسئول یک سازمان امنیت جمعی می‌داند، به این سادگی یک عمل تجاوزکارانه را تأیید کند و بابت ارتکاب این قانون‌شکنی آشکار تبریک بگوید، نشان می‌دهد که طرف‌های غربی دچار سقوط اخلاقی شده‌اند. آن‌ها در واقع یک جنایت را تأیید کردن، این آن‌ها را تا سطح همدست و شریک در جنایت تنزل می‌دهد.

خیلی‌ها حدس می‌زدند که اقدام رژیم صهیونیستی و آمریکا با همراهی ناتو صورت گرفته باشد و این نوع موضع‌گیری‌ها این احتمال را بیشتر می‌کند. اینکه نه تنها آمریکا بخشی از این جنگ نابرابر بوده، بلکه برخی کشورهای عضو ناتو هم، حداقل تعدادی از آن‌ها، از طرق مختلف به رژیم صهیونیستی کمک کرده‌اند.

ما می‌دانیم که در جریان عملیات‌های «وعده صادق یک» و «وعده صادق دو»، رسماً انگلیس و فرانسه مانع از اقدامات دفاعی ایران می‌شدند. یعنی به رهگیری و انهدام پرتابه‌های ایران به سمت رژیم صهیونیستی کمک می‌کردند که این یک مداخله کاملاً نامشروع بود، آن هم در عملیاتی که از سوی ایران کاملاً جنبه دفاعی داشت. مواضع ناتو بیش از پیش این واقعیت را آشکار می‌سازد که طرف‌های غربی، نخست، به هیچ‌وجه پایبند شعارهایی که درباره احترام به حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد مطرح می‌کنند، نیستند.

از سوی دیگر، این وضعیت یک حقیقت بزرگ‌تر را نیز به‌وضوح نشان می‌دهد و آن، عظمت اقدام ملت ایران است. ما به‌مدت دوازده روز در برابر مجموعه‌ای از طرف‌هایی که نه‌تنها در دفاع از رژیم صهیونیستی عمل کردند، بلکه در ارائه کمک‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی به این رژیم نیز شریک بودند، مقاومت کردیم. این مقاومت خود گواهی بر نابرابر بودن این جنگ تحمیلی و در عین حال، نشان‌دهنده عظمت و شکوه دفاع ایرانیان از میهن خویش است.

سؤال: در چندسال اخیر چه در دولت سیزدهم و چه در دولت چهاردهم، ایران سیاست متفاوتی را نسبت به کشورهای منطقه اتخاذ کرد و از کاهش تنش به سمت توسعه رابطه رفتیم. این تغییر سیاست در این دو هفته به خوبی خود را نشان داد و شاهد موضع‌گیری واحد این کشورها در محکومیت تجاوز و البته صدور بیانیه وزارتی در نشست استانبول هم بودیم. مشخصاً می‌فرمائید که کشورهای منطقه خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس برای توقف تجاوز دست به چه اقداماتی زدند؟

پاسخ: در این مدت، شاهد اقدامات مهمی بودیم. به‌ویژه، در اجلاس سازمان همکاری اسلامی در استانبول، قطعنامه وزارتی کم‌سابقه در حمایت از ایران و محکومیت تجاوزات رژیم صهیونیستی صادر شد. این قطعنامه، بدون هیچ‌گونه تردید یا شرطی، تجاوزات رژیم صهیونیستی و آمریکا را محکوم کرد. پیش از آن نیز بیانیه‌ای از سوی ۲۱ کشور عربی و اسلامی منتشر شد و شورای همکاری خلیج فارس نیز بیانیه‌ای در محکومیت اقدامات رژیم صهیونیستی صادر کرد. این اقدامات نشان‌دهنده اجماع کشورهای منطقه است که به این نتیجه رسیده‌اند جمهوری اسلامی ایران بخش جدایی‌ناپذیر امنیت درون‌زای منطقه غرب آسیا است. این اعتماد، که نتیجه سیاست حسن هم‌جواری و همسایگی در سال‌های اخیر بوده، بسیار ارزشمند است و ما از این موضع واحد کشورهای عربی و اسلامی در محکومیت اقدامات رژیم صهیونیستی و آمریکا قدردانی کرده و باز هم سپاسگزاریم.

اما مهم‌تر از این، نشانه‌ای از آگاهی کشورهای منطقه نسبت به خطرات ناشی از ادامه تجاوزات و تعرضات رژیم صهیونیستی علیه کشورهای منطقه است. کشورهای عربی به‌خوبی می‌دانند که رژیم صهیونیستی در طول ۸۰ سال موجودیت نامبارک خود، همواره منطقه را درگیر ناامنی، جنگ و درگیری‌های سخت کرده است. آن‌ها آگاه‌اند که تنها طرفی که هم‌زمان خاک دو کشور عربی و اسلامی را اشغال کرده، اسرائیل است.

همچنین، شاهد جنایات وحشتناکی هستند که به‌طور هم‌زمان در غزه و کرانه باختری در جریان است. بنابراین، همه همسایگان ما، اعم از کشورهای عربی، ترکیه و دیگران، نگران‌اند که اگر خوی تجاوزگری و سلطه‌طلبی رژیم صهیونیستی مهار نشود، به‌زودی کشورهای دیگر نیز در معرض تهدید قرار خواهند گرفت. این نگاه، ناشی از نگرانی جمعی نسبت به مصونیت رژیم صهیونیستی از مجازات است که با حمایت کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، همراه بوده است. این نگاه واحدی که ایجاد شده، واقعاً می‌تواند کمک کند برای مهار کردن رفتارهای خطرناک و گستاخانه رژیم صهیونیستی علیه کشورهای منطقه.

سؤال : مشخصاً می‌فرمائید که آیا این کشورها دست به اقدامات عملی برای توقف تجاوز دست زدند؟

پاسخ: همه کشورهای منطقه از این وضعیت نگران بودند و بسیاری از آن‌ها کوشیدند با استفاده از نفوذی که بر طرف غربی و آمریکا دارند، اولاً مانع از شکل‌گیری این تجاوز شوند و بعد از وقوع آن نیز، برای توقف هرچه سریع‌تر تلاش کنند. در تماس‌هایی که ما با آن‌ها داشتیم، عموماً این موضوع را ابراز کردند؛ گفتند که ما در تماس با مقام‌های آمریکایی در تلاش هستیم تا رژیم صهیونیستی را وادار به توقف جنایت کنیم.

کشورهای خارج از منطقه را نیز باید در نظر گرفت. حتی کشورهایی که در موضع‌گیری‌های علنی احياناً دوپهلوی صحبت کردند، یا حتی برخی از اروپایی‌ها که در صدد توجیه این جنایت برآمدند، در گفت‌وگوهای دوجانبه و غیررسانه‌ای با ما، عموماً اذعان داشتند که اقدام رژیم صهیونیستی غیرقانونی و یک تجاوز آشکار است. اما از ما می‌خواستند که این شرایط را درک کنیم؛ می‌گفتند به دلیل مواضع و روابطی که با آمریکا داریم، نمی‌توانیم این مسائل را علناً بیان کنیم.

اما در مورد کشورهای منطقه، تکلیف روشن بود. همه صراحتاً اعلام کردند که مخالف تجاوز هستند، آن را به‌شدت محکوم کردند و من فکر می‌کنم بسیاری از آن‌ها واقعاً برای توقف این تجاوز تلاش کردند.

سؤال : گمانه‌زنی‌ها و نگرانی‌هایی مطرح شده است مبنی بر اینکه آیا هدف قرار گرفتن پایگاه نظامی آمریکا در قطر ممکن است به بروز دلخوری‌هایی در روابط تهران و دوحه منجر شود. شاهد بودیم که در ۲۴ ساعت گذشته، رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، معاون وزیر امور خارجه و شخص شما از طریق تماس‌های تلفنی، پیام‌های شبکه‌های اجتماعی و مصاحبه‌ها، در راستای تبیین این رویداد اقدام کرده‌اید. اکنون، لطفاً آخرین گزارش را درباره وضعیت روابط تهران و دوحه و تأثیر این واقعه ارائه می‌دهید؟

پاسخ : ما به‌هیچ‌وجه نمی‌خواهیم که اقدام دفاعی ایران در برابر تجاوز آمریکا، به روابط ما با قطر یا سایر کشورهای منطقه آسیب برساند و عمیقاً معتقدیم که چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. کشورهای منطقه به‌خوبی می‌دانند که

جمهوری اسلامی ایران دوست آن‌هاست. ما به‌ویژه در رابطه با قطر ثابت کرده‌ایم که دوست دوران سختی هستیم و روابط بسیار خوبی با این کشور داریم. این رویداد نتیجه اقدام تجاوزکارانه آمریکا بود و به همین دلیل تأکید داریم که حضور آمریکا در منطقه جز ناامنی نتیجه‌ای به دنبال ندارد. تمام تلاش ما این بوده است که این واقعه به فتنه‌انگیزی در روابط ایران با کشورهای منطقه منجر نشود.

به همین منظور، در بالاترین سطوح با مقامات قطری تماس گرفته و توضیحات لازم را ارائه کرده‌ایم. موضع ما کاملاً شفاف است؛ ما صادقانه موضوع را مطرح کرده‌ایم و چیزی برای پنهان کردن نداریم. هدف قرار دادن پایگاه العدید نه به دلیل اینکه بخشی از خاک قطر است، بلکه صرفاً به این دلیل بود که پایگاه نظامی آمریکا محسوب می‌شود. بر اساس حقوق بین‌الملل، ما نه تنها مجاز، بلکه موظف به دفاع از خود بودیم و هستیم.

آمریکا اقدام تجاوزکارانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران انجام داد، تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی ما را نقض کرد و به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ما حمله کرد. مقامات آمریکایی حتی با افتخار به این اقدام تجاوزکارانه اعتراف کردند. بنابراین، کاملاً طبیعی بود که انتظار داشته باشند جمهوری اسلامی ایران واکنشی دفاعی نشان دهد.

انتخاب پایگاه العدید به این دلیل بود که یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه است. تصمیم‌گیری برای هدف قرار دادن این پایگاه بر اساس مختصات و ملاحظات بود که مراجع نظامی ما به آن رسیدند و البته دوستان نظامی بهتر از من می‌توانند این موضوع را تبیین کنند.

از منظر دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و نگاه کلی ما به روابط با کشورهای منطقه، این اقدام به‌هیچ‌وجه نباید به‌عنوان عملی خصمانه علیه قطر یا هر کشور دیگر منطقه تلقی شود. این صرفاً یک عملیات دفاعی ایران در برابر یک دارایی نظامی آمریکا بود که در تیررس ما قرار داشت.

سؤال : در طول سیزده روز گذشته شاهد همراهی و همپایی میدان و دیپلماسی بودیم و از زمان توقف تجاوز همزمان که هوشیاری میدان به یک ضرورت تبدیل می‌شود انتظارات از دستگاه دیپلماسی برای کمک به عبور کشور از بحران و تبدیل کردن اقدام‌های میدان در زمین دیپلماسی افزایش پیدا می‌کند، دستور کارهای ویژه وزارت خارجه در این حوزه چیست؟

پاسخ : من در سه نکته این موضوع را توضیح می‌دهم، اول اینکه، در رابطه با توقف تجاوز رژیم صهیونیستی، من از این بیان قرآنی استفاده می‌کنم که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ». ما باید کاملاً مراقب باشیم؛ ما مطلقاً نمی‌توانیم به وعده‌های رژیم صهیونیستی اعتماد کنیم. اگر تاریخچه رژیم صهیونیستی و جنگ‌ها را نگاه کنید، اولاً همه جنگ‌ها از سال ۱۹۴۸ تاکنون از طرف رژیم صهیونیستی بر کشورهای منطقه تحمیل شده است.

ثانیا، در همه موارد، رژیم صهیونیستی عهدشکنی کرده؛ حتی پس از حصول توافق‌هایی درباره آتش‌بس، در بیشتر مواقع، به شیوه‌های مختلف، با بهانه یا حتی بدون هیچ بهانه‌ای، اقدام به نقض تعهداتش کرده است. بنابراین، ما باید با چشمانی باز و حواس جمع تحولات روزهای آینده را رصد کنیم. حتماً نیروهای مسلح ما در این زمینه با هوشیاری کامل عمل می‌کنند و تأکید شده که اگر رژیم صهیونیستی مجدداً مرتکب تعرضی علیه ما شود، قطعاً با پاسخ جدی و قاطع مواجه خواهد شد.

نکته سوم اینکه، همه ما رسالت تاریخی، اخلاقی و قانونی سنگینی داریم برای اینکه اجازه ندهیم این جنایت بزرگ، این تجاوز آشکار علیه کیان ایران، به فراموشی سپرده شود. بحث‌های حاشیه‌ای نباید ما را از این واقعیت غافل کند که یک جنایت عظیم علیه ملت ایران، علیه تمامیت سرزمینی ایران، رخ داده است.

در هر گفت‌وگویی درباره موضوعات مرتبط با این مسائل، باید همواره به یاد داشته باشیم که مدیون تک‌تک عزیزانی هستیم که در این دوازده روز به شهادت رسیدند. مستندسازی بخشی از رسالت ماست؛ در داخل کشور، مردم ما باید بدانند چه بزرگانی را از دست داده‌اند، کسانی که جان خود را برای ماندگاری ایران فدا کردند. همه شهدا، به‌ویژه بی‌گناهانی که در این راه به شهادت رسیدند، از جمله کودکی سه‌ساله که قربانی این حوادث شد، فارغ از سن، جایگاه یا رتبه اجتماعی، شایسته آن هستند که قصه زندگی‌شان برای آیندگان به یادگار بماند.

در سطح بین‌المللی، وزارت امور خارجه با جدیت در حال بررسی این موضوع است که چگونه موارد نقض فاحش حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق جنگ را مستندسازی کرده و در مجامع جهانی ذی‌ربط ثبت کند تا حقوق ملت ایران را مطالبه نماید. در ادامه این مسیر، ما به‌طور حتم نیازمند بازخوانی اتفاقاتی هستیم که در این دوازده روز رخ داد.

انسجام ملی که در این مدت شکل گرفت، ارزشمندترین دارایی ماست. گرد آمدن همه ایرانیان، با هر عقیده، مرام و پیشینه، حول پرچم واحد کشورمان، امری بی‌نهایت ارزشمند است. این دارایی می‌تواند همیشه در حراست و صیانت از کیان ایران و مرزهای سرزمین‌مان یاری‌رسان باشد.